

## موانع پخش راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ژئوکالچر جهان اسلام (بررسی موردی: عربستان سعودی)

محسن اسلامی<sup>۱</sup>، محمدحسین جمشیدی<sup>۲</sup> و محمد داوند<sup>۳</sup>  
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۱، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۸/۲۷

### چکیده

تاریخ معاصر جهان اسلام با خشونت، بی‌ثباتی سیاسی، مداخله قدرت‌های بزرگ، حضور نامشروع اسرائیل، سرکوب آزادیخواهی و استقلال‌طلبی مواجه بوده است (مسئله). گذشته از ریشه‌یابی این مهم در خارج از جهان اسلام، قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان سعودی نقش به‌سزایی در ایجاد و نگه‌داشت این وضعیت داشته‌اند که ضرورت بحث و استدلال برای اثبات آن را فراهم می‌سازد (ضرورت). یکی از مصداق‌های این مدعا که مقصود اصلی این پژوهش است؛ تلاش‌های آل‌سعود به‌منظور جلوگیری از پخش راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهت بازسازی نظم موجود در ژئوکالچر جهان اسلام است (هدف). لذا، این سؤال قابل طرح است که محدودیت‌های مزبور چیستند؟ چرا پادشاهی سعودی مانع از پخش و سرایت راهبردهای فرهنگی ایران در ژئوکالچر دنیای اسلام می‌شود؟ (پرسش) گرچه بسیاری از تحلیلگران در پاسخ به این پرسش اختلاف شیعه و سنی را مطرح می‌نمایند (پیشینه)، نویسنده در پی اثبات این فرضیه است که راهبردهای فرهنگی ایران برخاسته از نقش ام‌القری بودن آن در ژئوکالچر جهان اسلام می‌باشد و بر این اساس، تغییر وضعیت موجود در صدر برنامه‌های آن قرار دارد (فرضیه). این مسئله فراتر از پشتیبانی از شیعیان و غفلت از اهل تسنن است و مصداق سیاست وحدت جهان اسلام می‌باشد (نوآوری). بنابراین، عربستان سعودی با توسل به انواع سازوکارها از رواج و هوایت گرفته تا ایران‌هراسی و تفرقه بین شیعه و سنی، می‌کوشد مانع از وحدت جهان اسلام و تحقق ام‌القری بودن ایران شود (دستاورد). نوع تحقیق حاضر نظری- کاربردی و شیوه تحلیل اطلاعات، کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی است (روش).

کلیدواژگان: جهان اسلام، ایران، عربستان، ژئوکالچر، ام‌القری، محافظه‌کاری، راهبردهای فرهنگی.

---

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول، پست الکترونیک: eslami.m@modares.ac.ir  
۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، پست الکترونیک: jamshidi@modares.ac.ir  
۳. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، پست الکترونیک: davand@modares.ac.ir

## مقدمه و طرح مسأله

عربستان با وجود سرمایه عظیم نفتی و به تبع آن ثروت هنگفت و قدرت مالی، همواره به دنبال ایفای نقش قدرت منطقه‌ای بوده است. اما مقامات ریاض به خوبی آگاه بوده‌اند که تنها به صرف داشتن قدرت اقتصادی نمی‌توانند به قدرت منطقه‌ای بدل شوند. آنها برای نیل به اهداف خود تبعیت از قدرت‌های بزرگ در منطقه را برگزیدند. اما این راهبرد بسیار از اهداف فرهنگی، هویتی و ایمانی جهان اسلام فاصله دارد.

جهان اسلام در حال حاضر با معضلات عدیده‌ای از جانب سیاست‌های متخذه آل سعود روبروست؛ دامن‌زدن به بحران در عراق و سوریه توسط عربستان، در درجه اول به نفع اسرائیل و در وهله بعد، باعث فراموشی مسئله فلسطین شده است. پیشبرد راهبرد سعودی، تقویت افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان و پاکستان، اهل تسنن و تشیع این دو کشور را بیش از پیش آزار می‌دهد. دنیای اسلام با سرکوب آزادیخواهی در مصر و بحرین بواسطه پشتیبانی‌های نظامی و اقتصادی عربستان مواجه شده‌است. این کشور همچنین سعی دارد، تمایز بین اقدامات و اهداف جنبش‌های آزادی‌بخش از جمله حزب‌الله لبنان با گروه‌های تروریستی فعال در حوزه جنوب غرب آسیا همچون القاعده و داعش را از بین ببرد.

در مقابل، اصول فرهنگی انقلاب اسلامی ایران انعکاس زیادی در ژئوکالچر جهان اسلام داشته و منجر به جذب بسیاری از ملل مسلمان به خود شده است؛ چرا که انقلاب ایران به مسلمانان چه سنی و چه شیعی، بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آنها یکسان برخورد نموده است. به‌طور ملموس، از منظر فرهنگ و هویت، یکی از مهم‌ترین منابع شناخت اقتدار فرهنگی انقلاب اسلامی، قانون اساسی است. براین اساس، قانون اساسی و سیاست خارجی منبث از آن، جهان‌گرایانه است؛ چون سعادت و رهایی را نه تنها برای خود، بلکه برای مردم جهان طلب می‌نماید (اصل ۱۵۴ قانون اساسی) امت‌محورانه است؛ زیرا به دنبال وحدت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان اسلام است (اصل ۱۱ قانون اساسی) و در تعارض آشکار با سیستم دولت‌ملت حاکم بر جامعه بین‌المللی معاصر و نیز قواعد حاکم بر ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل می‌باشد. انقلابی است؛ چون شالوده‌شکن، واساز و مواجهه‌جویانه است و در پی دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر است (اصل ۱۵۲ قانون اساسی) (صادقی، ۱۳۹۳: ۳۰). تا جایی که تأثیرات فرهنگی انقلاب ایران بر مسلمانان عرب و جنبش‌های اسلامی آن، کم‌وبیش در تمامی کشورهای اسلامی از عربستان تا مصر دیده می‌شود.

این مسأله بر روابط ایران با کشورهای محافظه‌کار منطقه به‌ویژه عربستان سعودی که داعیه‌دار رهبری جهان اسلام می‌باشد، تأثیر به‌سزایی داشت. به‌ویژه این که ایران هویت دینی آل سعود را به دلیل گفتمان اسلام سیاسی شیعه، به چالش کشیده است (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۹۶) و این مهم سبب آن شده است تا رقابت کشور عربستان با ایران در سال‌های اخیر به بحرانی‌ترین شکل خود درآید. نمود این رقابت، اختلاف نظر بنیادین از لحاظ فرهنگی در بحران سوریه، ارتباط با اسرائیل همکاری با قدرت‌های هژمونیک جهانی در سطح نظام بین‌الملل، بحران داخلی بحرین (۲۰۱۴ تاکنون) ظهور داعش (۲۰۱۱ تاکنون)، تقابل با ایران در حمایت از حزب‌الله لبنان، مساله فلسطین و افغانستان، طالبان و غیره است که همگی نشانگر ناسازواری‌های بنیادینی است که این کشور با جمهوری اسلامی ایران دارد (سیمبر و رحم‌دل، ۱۳۹۳: ۳). بنابراین، سؤال اصلی مقاله پیش‌رو این خواهد بود موانعی که عربستان سعودی به‌منظور جلوگیری از سرایت

راهبردهای فرهنگی ایران در ژئوکالچر جهان اسلام ایجاد می‌نماید، شامل چه مواردی می‌شوند؟ و این موانع و محدودیت‌های فرهنگی متخذ بر اساس چه رهیافت‌هایی و چگونه قابل تجزیه و تحلیل هستند؟ در پاسخ به این سؤال، متقی، فقدان سه عنصر «هنجار»، «انگاره» و «هویت» مشترک را سبب ناسازواری فرهنگی بین عربستان و ایران می‌داند (متقی، ۱۳۹۳). ابراهیمی، به پیامدهای برخاسته از سیاست‌های «سلفی‌گری تکفیری» و به عبارتی بهتر «سلفی‌گرایی عمل‌گرایانه» اهمیت می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۴). سیدنژاد و سراج، نوع واکنش کشورها از جمله عربستان به جمهوری اسلامی ایران را حاکی از تغییر رفتار سیاسی شیعیان جهان با الگوبرداری سیاسی از نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند (سیدنژاد و سراج، ۱۳۹۴) و آرتس و دوآین معتقدند نفوذ ایران در منطقه به‌خصوص در عراق و سرکوب شیعیان در رژیم‌های عربی در سایه حمایت‌های آمریکا، زمینه شالوده‌شکنی روابط بین ایران و عربستان می‌باشد (Aarts and van Duijine, 2009).

در مقابل جدای از مباحث هویتی (شیعی و سنی)، فرضیه این پژوهش بر این مبنا استوار است که سیاست‌های فرهنگی عربستان سعودی محافظه‌کارانه و به‌منظور حفظ وضع موجود در ژئوکالچر جهان اسلام است؛ لذا، راهبردهای فرهنگی آل‌سعود نظیر ایران‌هراسی و رواج وهابیت، به‌منظور عدم تحقق شکل‌گیری انگاره ام‌القری‌بودن جمهوری اسلامی ایران، در ژئوپلتیک فرهنگی جهان اسلام است. رویکرد تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی، نوع آن نظری و تاریخی-کاربردی، شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ کیفی و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است.

### ریشه‌های تقابل راهبردی ایران و عربستان در ژئوکالچر جهان اسلام

بی‌گمان همان‌طور که عوامل جغرافیایی در فرآیندهای سیاسی نقش داشته و مفهوم قدرت را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، به همان ترتیب مقوله فرهنگ را نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر ساخته و به‌عنوان بستر خلق پدیده‌های فرهنگی به شمار می‌روند. از آنجا که فرهنگ نیز مانند سیاست همواره میل به درگیری اجتماعی و گسترش جغرافیایی دارد، پس همچون سایر پدیده‌های خلقت در بستر زمان و مکان جریان یافته و به خلق رویدادها و نیز چشم‌اندازهای گوناگون فرهنگی منجر می‌شود. شکل‌گیری سیاست فرهنگی در یک بستر جغرافیایی، خود مبانی انسانی جغرافیای محیطی را دگرگون می‌کند. این سیاست فرهنگی با وام‌گیری از جغرافیای انسانی محیط رویداد، خود عامل تغییر آن به‌شمار می‌رود. بنابراین، جغرافیا و فضای مکانی خود عامل مهمی در تعریف متغیر و [راهبردهای] فرهنگی می‌باشد (حیدری، ۱۳۸۴: ۹۷).

ژئوکالچر یا ژئوپلتیک فرهنگی فرایند پیچیده‌ای تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابجایی در جریان زمان و در بستر محیط جغرافیایی زمین می‌باشند. به عبارتی دیگر، ژئوکالچر ترکیبی از فرایندهای مکانی-فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران متنوع و بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط یکپارچه زمین به نقش‌آفرینی پرداخته و در تعامل دائمی با یکدیگر به‌سر می‌برند (متقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۷).

از طرفی، گذار از ژئوپلتیک دولت محور به ژئوکالچر تمدن محور در قرن بیست و یکم، امری است که بیش از پیش واقعیت روابط بین‌الملل را در دنیای امروز به تصویر می‌کشد. نظریات ژئوپلتیک سنتی همچون هارتلند و ریملند را می‌توان در یک سیر تکاملی، ریشه ژئوکالچر امروز دانست و این امر، در یک خط سیر ژئوپلتیک-ژئوکالچر؛ از مکیندر

تا هانتینگتون و برژینسکی امتداد می‌یابد. دنیای اسلام از لحاظ موقعیت جغرافیایی بر روی ریملند واقع شده است و علاوه بر دارابودن موقعیت استراتژیک و مالکیت معادن و منابع غنی نفت و گاز و در نتیجه ثروت فراوان، مورد طمع قدرت‌های جهانی است. در قلب این ریملند، دولت - ملت شیعی ایران متأثر از انقلاب اسلامی قرار دارد که در درون نزاعی تمدنی سه دهه‌ای با نمایندگان و مدعیان سنی نظیر عربستان سعودی به‌سرمی‌برد (نادری، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

در واقع، انقلاب اسلامی ایران دیدگاه عربستان سعودی را نسبت به ایران عوض نمود. ایرانی که زمانی شریک راهبردی عربستان در حفظ وضع موجود در محیط ژئوکالچر خاورمیانه بود، بعد از انقلاب مواضع تجدیدنظرطلبانه اتخاذ نمود و برای عربستان این انگاره را وجود آورد که رقیبی تحول‌خواه در مسائل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک منطقه است. در مقابل دستاورد انقلاب ایران بروز و ظهور راهبردهای برخاسته از اسلام شیعی بود که خود را از دو بلوک شرق و غرب متنوع می‌نمود. بنابراین رهبر این انقلاب به ملت‌های سایر کشورهای اسلامی توصیه نمود تا رژیم‌های سیاسی خود را عوض کنند. این توصیه شامل شیعیان عربستان نیز می‌شد (Bin Huwaidin, 2015). این ذهنیت رهبران انقلاب ایران نسبت به کشورهای همسایه مسلمان، بویژه عربستان سعودی سنگ بنایی شد تا تضادهایی امنیتی برای دو کشور در ارتباط با مسائل اصلی جهان اسلام پیش آید.

چرا که تأملی در سیاست خارجی<sup>۱</sup> عربستان دست‌کم، در تاریخ معاصر نشان می‌دهد که هم ساختار و هم رفتار سیاست خارجی این کشور بر نوعی محافظه‌کاری<sup>۲</sup> استوار است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۶) سعودی‌ها روابط و مناسبات نزدیکی با ایالات متحده آمریکا دارند. برای همین عربستان اصول و اهداف خاصی را مدنظر دارد که مهمترین آنها عبارت‌اند از: الف) رهبری سیاسی جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی؛ وحدت جهان عرب و جلب حمایت‌های آنان در جهت منافع خود؛ تبلیغ مذهب وهابی و دعوت به آن؛ جلوگیری از انتشار و گسترش انقلاب اسلامی و حفظ وضع موجود در منطقه (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۳). ظهور اسلام در عربستان و وجود حرمین شریفین و دخاثر فراوان نفت، جایگاه خاصی را در بین کشورهای اسلامی به این کشور اعطا کرده است. از این‌رو، عربستان کشوری تأثیرگذار و تعیین‌کننده در تحولات منطقه جنوب‌غرب آسیا می‌باشد و تلاش دارد با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مزبور در جهان اسلام، نقش تعیین‌کننده برای خود تعریف کند. این هدف با ایجاد رابطه با کشورهای عضو پیمان ناتو و

۱. از حیث سیاست داخلی نیز، هیچ حزب یا سازمان سیاسی قانونی در عربستان سعودی وجود ندارد، ولی برخی گروه‌های سیاسی یا بنیادگرای اسلامی به شکل زیرزمینی در خارج و داخل کشور فعال هستند. از آن جمله‌اند: حزب کمونیست عربستان سعودی (به‌عنوان یک حزب غیرپویا و صرفاً عقیدتی)، حزب التحریر الجزیره (رهبری شیعی)، الاخوان، جماعه المسجد، و جماعه الدعوه (اسدی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). به‌همین ترتیب هیچ انتخابات دموکراتیکی در عربستان در سطح ملی برگزار نمی‌شود. همان‌طور که هیچ مقام انتخابی رسمی در سطح ملی وجود ندارد، به همان ترتیب نظارت و تأثیر بر مقامات رسمی عربستان از هیچ کانال مشخص و قانونی به‌صورت دموکراتیک امکان‌پذیر نیست. به‌همین منوال فعالیت احزاب و اتحادیه‌ها ممکن نیست و انجمن‌های رسمی نیاز به دستور سلطنتی برای به‌دست‌آوردن مجوز دارند (Bertelsmann Stiftung's transformation index, 2012).

۲. هسته مرکزی تفکر محافظه‌کاری اعتقاد به نابرابری انسان‌ها است و اینکه اقلیتی باید نقش هدایت جامعه را برعهده داشته باشند و اکثریت از نوع این اقلیت برخوردار شود (پولادی، ۱۳۸۳: ۲۰۹-۲۰۸) و به‌طورکلی بر مفاهیمی چون اهمیت و نقش اقتدار سیاسی، قداست مالکیت خصوصی، خانواده، مذهب و تمجید سنت و رسوم تأکید می‌گذارد (بشیریه، ۱۳۹۱: ۳۰۴).

کشورهایی که در مدار آنها قرار دارند ارتباط ویژه‌ای دارد.

از سویی، انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت‌تاثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور تهدیدات بازیگران دولتی و غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) شد (رضایور، ۱۴۱۳۹۳). امام خمینی<sup>(ع)</sup>، به‌عنوان رهبری این انقلاب، بر بُعد سیاسی آموزه‌های اسلامی شیعی و پیوند دین با سیاست تأکید کرد و در همین راستا، هدف نهایی انقلاب را که به بیان او ماهیتی کاملاً اسلامی داشت، بازگرداندن هویت اسلامی به ایران ذکر کرد (ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۸). به همین دلیل، «ام‌القری»<sup>۱</sup> دکترینی برای تبیین خط‌مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ایران در جهان اسلام است که اواخر دهه ۱۳۶۰ از سوی محمدجواد لاریجانی مطرح شد. لاریجانی در تدوین استراتژی ملی جمهوری اسلامی ایران، توجه به ایران ام‌القری را در کنار امنیت (دفاع مؤثر) و آبادی (توسعه) یکی از ارکان مهم استراتژی ملی ایران می‌داند. بر اساس این نظریه، ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدون تردید ام‌القرای جهان اسلام شده است؛ زیرا ایران پس از انقلاب با تشکیل حکومت اسلامی دارای دو شأن رهبری مردم ایران و امت اسلامی گردید و همه مسلمانان وظیفه دارند ولایت و رهبری امام‌خمینی<sup>(ع)</sup> را به‌عنوان رهبر امت واحده اسلامی بپذیرند. به این ترتیب، حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظفند از ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند (عمادی، ۱۳۹۴).

### نمودهای رویارویی جمهوری اسلامی ایران و عربستان در ژئوکالچر جهان اسلام

پس از تحلیل ریشه عدوات ایران و عربستان سعودی در جغرافیای فرهنگی دنیای اسلام، بررسی برخی از مصادیق تنازع مزبور کمک شایانی جهت دسترسی به هدف اصلی تحقیق می‌نماید.

#### • مقاومت اسلامی؛ عرصه نزاع ژئوپلیتیک فرهنگی ایران و عربستان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد متعدد، دفاع و حمایت از مستضعفان و مسلمانان جهان را وظیفه جمهوری اسلامی ایران می‌داند. در اصل ۱۱ آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود

۱. اصول دکترین فوق بر حسب اهمیت عبارتند از: الف. ملاک وحدت در فلسفه ام‌القری، وحدت در انجام وظیفه اسلامی است، چرا که در این حاکمیت امتی مسئول با رهبری مسئول جمعاً در سرزمینی به‌عنوان ام‌القری هسته مرکزی حکومتی را تشکیل می‌دهند که برد جهانی دارد؛ ب. ولایت فقیه و حکومت ولایت فقیه، اساس و جوهر تشکیل حکومتی اسلامی در ام‌القری است. عامل وحدت اسلامی همان رهبری ولایت فقیه است؛ ج. مرزهای قراردادی و بین‌المللی جغرافیایی اثری در این رهبری ندارد. جهان اسلام امت واحده است. ولایت فقیه و حیطة مسئولیت آن قابل تقسیم به کشورها نیست؛ د. کشوری ام‌القری جهان اسلام شناخته می‌شود که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری جهان اسلام می‌باشد؛ ه. ام‌القری، در صورتی که به حقوق امت تجاوز شود، می‌خروشد و با توانایی خود سعی می‌کند حق امت را بگیرد، لذا، به‌همین دلیل، قدرت‌های جهانی سعی می‌کنند آن را در هم شکسته و نابود سازند (روزنامه رسالت، ۱۳۸۶: ۸). بنابراین، ایران پس از انقلاب اسلامی ام‌القرای جهان اسلام است و روح‌الله خمینی<sup>(ع)</sup> با تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در دو شأن رهبر ایران و رهبر امت اسلام قرار گرفت. به این ترتیب حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد. در صورتی که میان منافع ام‌القرای و منافع امت تعارضی پیش آید، منافع امت همواره مقدم است مگر در حالتی که مسئله بر سر حفظ نظام اسلامی در ام‌القری باشد. براساس این نظریه حفظ ام‌القری بر هر چیز دیگر اولویت دارد و در صورت لزوم می‌توان احکام اولیه اسلامی را هم برای حفظ آن به تعویق انداخت (فیرحی، ۱۳۹۳).

را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد». همچنین اصل ۱۵۴ قانون اساسی اعلام می‌دارد که: «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبان مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان حمایت می‌کند (شعبانی، ۱۳۹۱: ۲۶۲-۲۵۲).

جنبش حماس که ابتدا براساس فعالیت فرهنگی اجتماعی تأسیس شد، پس از چند سال، اقدامات نظامی را جهت دستیابی به اهداف خود، ضروری دانست، اگرچه حماس همانند حزب‌الله لبنان و حتی جهاد اسلامی فلسطین به جمهوری اسلامی ایران نزدیک نیست؛ ولی به اندازه کافی دیدگاه‌های حماس نسبت به رژیم صهیونیستی، مسئله فلسطین و اهمیت و جایگاه والای آن در جهان اسلام و همچنین اهداف و منافع این گروه در روند صلح، با دیدگاه‌ها و اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در مسائل ذکر شده، نزدیک است و از سوی دیگر، حماس [با آنکه اعضای آن سنی مذهب هستند] نیز تقریباً در سطح حزب‌الله و جهاد اسلامی از حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی و معنوی ایران برخوردار می‌شود (پایگاه اطلاع‌رسانی اسلام تایمز، ۱۳۹۴/۰۴/۱۸).

در چنین شرایطی بازیگران نومحافظه‌کار نظیر ایالات متحده سعی کرده‌اند تا ایران را در وضعیت حاشیه‌ای قرار دهند و منزوی کنند؛ این امر واکنشی در برابر ظهور هویت و ایدئولوژی جدید سیاسی در نظام بین‌الملل هم‌زمان با پایان جنگ سرد و اواخر دهه ۱۹۸۰ انجام گرفته است. پیوند هویت مقاومت با مذهب شیعه در سایر حوزه‌های غرب آسیا نیز منعکس شده است. آنچه به‌عنوان «هلال شیعی» از سوی نظریه‌پردازان عرب و مقامات کشورهای محافظه‌کار منطقه خاورمیانه همانند اردن، عربستان و امارات عربی مطرح می‌شود را می‌توان انعکاس چنین پیوندی در منطقه خاورمیانه دانست (پوستین‌چی و متقی، ۱۳۹۰: ۸).

حزب‌الله لبنان علاوه بر دفاع از مرز و بوم ملی خود، وظیفه دفاع از کیان دیگر مسلمانان خصوصاً فلسطین را مدنظر دارد. جهاد و شهادت دو مقوله مهم‌اند که مقاومت اسلامی بنا به وظیفه، به‌عنوان ابزاری در این راه استفاده کرده‌اند و ثمربخشی آن را در گرو اطاعت از ولایت می‌داند. سیدحسن نصرالله در این باره می‌گوید: «به‌نظر من، هرگونه مقابله مبارزه، مقاومت و جهاد بدون ولایت و امامت و اطاعت از رهبری میسر نخواهد بود». صفی‌الدین نماینده حزب‌الله در تهران نیز در تحلیل دلایل موفقیت حزب‌الله می‌گوید: «ما هرچه داریم از انقلاب اسلامی، امام (ره)، مقام معظم رهبری و ولایت مطلقه فقیه است و هرچه داریم از اطاعت محض از ولایت فقیه است» (درخشه و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۲-۲۴۱).

در طیف مقابل، عربستان همواره به‌عنوان نماینده کشورهای عرب در به ثمر رسیدن صلح منطقه‌ای اعراب و اسرائیل بوده است و در این راستا به تقویت گروه‌های میانه‌رو در فلسطین پرداخته است. یکی از مشکلات عربستان در این مسیر نیز وجود تفکر مقاومت و ایستادگی در برخی گروه‌های فلسطینی است. از این‌رو، عربستان همواره سعی در تضعیف این گفتمان و گروه‌ها و کشورهای حامی آن در منطقه دارد. عربستان وجود حزب‌الله در لبنان را نیز از چندجنبه به‌عنوانی خطری جدی برای خود محسوب می‌کند. ارتباط گسترده حزب‌الله با ایران و سوریه از یک‌سو، و نقش آفرینی این حزب به‌عنوانی حزبی دارای پایگاهی مردمی و نقش بی‌بدیل سیاسی از سوی دیگر، اهداف عربستان در این منطقه را با تهدید مواجه کرده است. از این‌رو، در تمامی رویارویی‌های این گروه با رژیم صهیونیستی، عربستان تلویحاً و صریحاً به مخالفت با اعمال حزب‌الله در دفاع از خاک و مردم لبنان پرداخته است (پایگاه تبیینی و تحلیلی

جریان‌شناسی دیدبان، ۱/۸/۱۳۹۴).

از اواخر دهه ۱۹۷۰، رژیم سعودی به علت ناکامی‌های سیاست‌های ضد اسراییلی جمهوری‌های انقلابی دنیای عرب حاضر به پذیرش حق حیات برای رژیم صهیونیستی شد و سعی نمود موضعی هماهنگ را بین دولت‌های عربی نسبت به این رژیم پدید آورد. ملک فهد در آگوست ۱۹۸۱ طرح صلح خویش را در این ارتباط مطرح نمود. رژیم صهیونیستی از پذیرش طرح خودداری نمود و عربستان شکل بازمینی شده طرح را بار دیگر در ۱۹۸۲ تقدیم نشست اتحادیه عرب کرد. اتحادیه عرب نیز طرح را تایید کرد. پس از گذشت دو دهه از ارائه طرح ابتکاری ملک فهد، پادشاهی سعودی در بستر تحولات جدید طرحی نو برای خاتمه‌دادن به مسایل اعراب با رژیم صهیونیستی ارائه داد (بهرامی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۱۴). همچنین، «جروزالم پست» با اشاره به همکاری ضمنی میان نظامی و اطلاعاتی عربستان و اسرئیل تصریح می‌کند که این روابط با وجود تغییرات در خانواده سلطنتی سعودی و مرگ «ملک عبدالله» ادامه خواهد یافت (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۳/۱۱/۱۲).

#### • تحدید و ترویج افراط‌گرایی دینی؛ تقابل استراتژیک ایران و عربستان در جغرافیای دنیای اسلام

با شکل‌گیری جنبش طالبان<sup>۱</sup> در اواخر تابستان ۱۳۷۳، رژیم سعودی به‌عنوان منبع اصلی تمویل طالبان در صحنه افغانستان نمودار گردید. یک روزنامه‌نگار پاکستانی روند شکل‌گیری سیاست خارجی عربستان در قبال طالبان را چنین شرح می‌دهد: «بعد از سال ۱۹۹۴ مولانا فضل‌الرحمن [رهبر جمعیت علمای اسلام] سفرهایی به امریکا و کشورهای اروپایی داشت تا حمایت آنان را به نفع طالبان جلب نماید. مهم اینکه وی به عربستان سعودی و کشورهای عربی رفت تا برای طالبان کمک‌های پولی و نظامی دریافت نماید و این سفر موصوف با نتیجه و موفق نیز بود و پس از یکسال دیگر، در فوریه ۱۹۹۵ مولانا فضل‌الرحمن اولین بازدید سران عرب را از قندهار سازماندهی نمود که این اولین تماس مستقیم اعراب با طالبان بود. سران اعراب با قافله عظیمی از وسایط نقلیه، طیارات و ده‌ها جیب مدرن وارد قندهار گردید و حین عزیمت اکثر وسایل را به طالبان واگذاشتند» (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۶۰).

با شروع بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بر اساس منافع خود جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این کشور، اتخاذ نموده‌اند. در این میان، تلاش پیگیر برخی دولت‌ها از جمله عربستان سعودی به‌عنوان یک دولت مسلمان و عرب برای اعمال فشار و ساقط کردن حکومت اسد، از جلوه‌های بارز تحولات سوریه محسوب می‌شود که بر پیچیدگی اوضاع این کشور افزوده است. عربستان سعودی با توجه به استراتژی سیاست خارجی‌اش، نقش بارزی در تحولات این کشور ایفا نموده است و اقدامات گسترده‌ای، از حمایت مالی و معنوی از شورشیان

۱. در مورد حمایت عربستان از طالبان در پاکستان باید نوشت: در دوره حکومت ضیاءالحق فعالیت‌های تبلیغی - مذهبی عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسیده بود که همین فعالیت‌ها بعدها باعث شکل‌گیری بسیاری از گروه‌های تندرو در پاکستان شد. عربستان سعودی با کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم به گروه‌های شبه‌نظامی پاکستان اهداف خویش را در منطقه به پیش می‌برد. از همین رو، یک روزنامه‌نگار پاکستانی به نام عزار سید در سال ۲۰۰۹ در مقاله‌ای فاش کرد: آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید با سران طالبان مذاکره کنند و این مذاکره باید از طریق لابی‌های سازمان اطلاعاتی پاکستان و عربستان جریان یابد (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۲۹).

القاعده گرفته تا مشارکت فعال در محور غربی-عربی در جهت متقاعدکردن دیگر کشورها برای حمایت از مخالفان حکومت سوریه، و در نهایت، تلاش بی‌وقفه برای حمله به این کشور انجام داده است (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۱۳). همچنین باید افزود در ادامه پاکسازی کوچه به کوچه منطقه «کیلومتر پنج» در شهر الرمادی واقع در استان الانبار توسط رزمندگان ارتش و سازمان بسیج مردمی عراق (الحشد الشعبی)، اسنادی مبنی بر حمایت رژیم سعودی از تروریست‌ها کشف شد. در جریان این عملیات، رزمندگان عراقی خودروهایی را کشف کردند که دارای پلاک عربستان سعودی بودند و عناصر داعش از آن‌ها برای اقدامات تروریستی خود استفاده می‌کردند. البته کشف این‌گونه اسناد در مواضع تروریست‌ها در عراق و سوریه به موضوعی معمول تبدیل گشته است و تاکنون مواد غذایی، تسلیحات، ابزارآلات جنگی، خودرو و ... که آثاری از رژیم آل‌سعود بر آن نقش بسته بود توسط نظامیان ارتش و رزمندگان کمیته‌های مردمی کشف و ضبط شده است (پایگاه تحلیلی خبری صراط، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸).

مذهب وهابیت اصولاً شیعه را کافر و رافضی می‌داند و بیش از ۲۰ تن از علماء و مفتیان این مذهب در فتوای خود حکم به کفر شیعیان داده‌اند (موسوی و بخشی‌تلیابی، ۱۳۹۱: ۶۴). از طرفی، یکی از اهداف گروه‌های افراطی مانند القاعده و طالبان، نابودی شیعیان است. به اعتقاد آنها بعد از نابودی غرب، شیعیان باید نابود شوند (سجادپور و قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). این تا جایی است که رهبران طالبان شرعاً تولید مواد مخدر و ارسال آن به کشورهایمانند ایران را حلال و مباح اعلام کرده‌اند (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۰).

گروه طالبان پس از به‌شهادت‌رساندن دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی و به اسارت‌درآوردن برخی از شهروندان ایرانی مشغول به‌انجام کمک‌های بشر دوستانه، نوعی چالش جدی در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. این اقدام موجب شد که ایران از طریق بازی‌های سیاسی و فعال نمودن دیپلماسی خود در پی جبران آن برآید. سیاست خارجی ایران پس از این تحول، در ابعاد سیاسی، نظامی و تبلیغاتی آغاز به‌کار نمود. به‌عنوان مثال، در عرصه سیاسی، تلاش ایران برای نشان دادن ماهیت خشن و غیرمنطقی طالبان در محافل جهانی و بویژه سازمان ملل متحد، موجب شد که علی‌رغم پیش‌روی‌های نظامی طالبان، آینده سیاسی این گروه و شناسایی رسمی آنان در هاله‌ای از تردید و ابهام قرار گیرد (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۶۴). از سویی، جمهوری اسلامی ایران، در مبارزه با گروه تروریستی داعش نیروهای فعال در منطقه را تجهیز و صدها مشاور نظامی را به منطقه اعزام کرد و از سوی دیگر، نیروهای داوطلب مردمی شیعه را تشکیل داد که بیشتر اعضای آن در کشورهای عراق و لبنان آموزش دیده‌اند (پایگاه مجازی مرکز رصد اندیشکده‌های استراتژیک، ۱۳۹۳/۱۰/۱۴).

#### • ترویج و سرکوب مردم‌سالاری دینی؛ تنازع رو به تزاید ایران و عربستان در کشورهای اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷، ایران و انقلاب اسلامی ایران با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه و شروع تفکر ام‌القری بودن ایران برای جهان اسلام، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت‌تأثیر آن قرار گرفتند (برزگر و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۷). به‌عنوان نمونه، مردم عربستان با توجه به اکثریت سنی و اقلیت شیعه،



درصد پذیرش بالایی (بویژه شیعه) برای جذب در انقلاب ایران برخوردار هستند. اهل سنت نیز با جرح و تعدیل‌هایی و در سطح بعضی از گرایش‌ها و جناح‌ها پذیرای انقلاب ایران بوده است. قیام «جهیمان العتیبی» در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ و تصرف مسجدالحرام توسط وی و حامیانش از نمونه‌های آن است. اشغال مسجد مقدس در سال ۱۹۷۹ میلادی، مشروعیت حاکمیت سعودی را به چالش کشاند، حاکمانی که عمدتاً حاکمیت خود را به‌وسیله تعهدشان به ارزش‌های وهابیت و خدمت به حرمین شریفین توجیه می‌کردند. شورش جهیمان اولین نشانه شکاف در ساختار مذهبی بود. خطرناک‌ترین وجه جنبش جهیمان آن بود که از ادبیات انقلاب اسلامی ایران برای محکوم ساختن رژیم مذهبی سعودی استفاده کردند (برزگر و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

شاید بتوان گفت در مورد عراق پخش ایده‌های انقلاب اسلامی ایران بسیار مؤثر بوده است. به علت مجاورت و همسایگی ایران با عراق، این کشور شاهد میزان بالایی از جابجایی نخبگان انقلابی ایرانی بوده است. می‌توان به انقلابیونی همچون آیت‌الله سیدمحمد شیرازی، آیت‌الله شهید دستغیب، آیت‌الله هاشمی شاهرودی و در صدر آنها، بنیانگذار انقلاب اسلامی اشاره داشت که بنیان‌های تفکر ضد رژیم بعث را گذاشتند. با این وجود، موضوع پخش انقلاب اسلامی به عراق موضوعات متنوعی را تشکیل می‌دهد: لباس اسلامی مناسب (چفیه)، حضور بیشتر در مساجد و حرکات سیاسی در آنها، تأسیس سازمان‌های مذهبی مبارز، ترویج ایده مبارزه با اسرائیل، جدی‌تر شدن موضوع دین در جامعه و ایجاد دولت اسلامی نمونه‌هایی از آن هستند؛ تا جایی که در جریان انتخابات سال ۲۰۱۴ عراق، تحلیلگر نشریه نیویورکر اعلام کرد: «تنها طرف پیروز در انتخابات پارلمانی عراق، ایران است» (معین‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۴۸-۶۹).

انقلاب اسلامی ایران توانسته است کشور پاکستان را تحت تأثیر خود قرار دهد و مفهوم ارزش‌هایی چون تلاش برای آزادی و استقلال، ظلم‌ناپذیری، مبارزه با استکبار و همدردی با مستضعفین را به‌مملت پاکستان بیاموزد (میلانی و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۶۱). دسترسی آسان و سریع ایران به پاکستان به‌دلیل هم‌مرزی، وجود جمعیت شیعه قابل‌توجه و تحریکات نهادهای ایرانی در آن کشور نگرانی دولتمردان پاکستانی را دوجندان کرد. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان پاکستان در اعتراض به تصمیم ضیاءالحق مبنی بر تدوین قانون شریعت پاکستان بر مبنای فقه حنفی، در اسلام‌آباد به‌صورت مسلحانه تجمع کردند و برای چند روز ادارات و ساختمان‌های وزارت‌خانه‌ها را به اشغال درآوردند تا دولت را مجبور کنند از تحمیل اجرای فقه حنفی بر شیعیان صرف‌نظر کند که موفق هم شدند. این اقدام پیامی محکم به ضیاءالحق بود و محرک دیگری برای اقدامات افراط‌گرایانه او شد (شفیعی و قلیچ‌خانی، ۱۳۸۹: ۹). همچنین، از سال ۱۹۷۸، غالب جریان‌های اسلامی سیاسی مصر، به‌صورتی صریح یا ضمنی، سیاست‌های رسمی نظام سیاسی حاکم بر مصر در تأیید شاه ایران، انتقاد از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام‌خمينی<sup>(۵)</sup> را مورد انتقاد قرار داده‌اند. برخی از این جریان‌های اسلامی، هدف این موضع و سیاست رسمی را تلاش برای برانگیختن احساس نفرت توده مردم نسبت به الگوی «اسلام‌گرا» در ایران قلمداد و تفسیر کردند. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های نخست، عواطف بخش وسیعی از نیروهای اسلام‌گرای مصری را به‌سوی خود جلب کرده بود. تصویرهای امام‌خمينی<sup>(۵)</sup> در قاهره و برخی شهرهای دیگر رواج یافت و تظاهرات گسترده‌ای در مخالفت با ورود شاه به مصر به راه افتاد. ملت و جامعه مصر به‌طورکلی به‌نحو خوبی با انقلاب اسلامی ایران برخورد نموده و از آن استقبال کردند (عبدوس، ۱۳۸۶).

این در حالی است که عربستان پس از گذار از خطر فوری قیام داخلی، به ترسیم سیاستی برای رویارویی با پیامدهای

قیام‌های جهان عرب پرداخت. بدین ترتیب، به تدریج شاکله اصلی استراتژی سعودی در مقابل خواست ملت‌های عرب در خاورمیانه نمایان شد؛ استراتژی‌ای که اقتدارگرایی را در برابر آزادی‌خواهی قرار می‌دهد. از این حیث، مورد قیام مردمی بحرین که تاکنون با دخالت مستقیم عربستان راه به جایی نبرده است، مثال‌زدنی است (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۶-۸۹). از زمانی که نظامیان سعودی و سایر نظامیان سپر جزیره وارد بحرین شدند، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی مورد هجوم قرار گرفتند، احکام اعدام در مورد زندانیان سیاسی صادر شد، پزشکان و پرستاران به اتهام کمک به مجروحانی که در تظاهرات زخمی شده‌اند، دستگیر، بازداشت و محاکمه شدند. ریاست مرکز حقوق بشر بحرین با خشونت دستگیر و فیلم صحنه دستگیری و ضرب و جرح وی در شبکه جهانی اینترنت منتشر شد. فعالیت احزاب بحرینی از جمله دو حزب مخالف ممنوع و روزنامه‌های مستقل توقیف شدند (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۹). مداخله نظامی عربستان در یمن نیز در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ م، به بهانه حمایت از عبدربه منصورهادی، رئیس‌جمهور فراری یمن با حمله هوایی ائتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی به یمن با نام عملیات «طوفان قاطعیت»<sup>۱</sup> و از دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ با نام عملیات «احیای امید»<sup>۲</sup> ادامه یافت. بنا بر اطلاعات منتشر شده آمار قربانیان تجاوزات عربستان به یمن از ابتدای جنگ تاکنون (اردیبهشت ۱۳۹۴) به بیش از ۵ هزار شهید و زخمی رسیده است که شامل بیش از ۲ هزار شهید و بیش از ۳ هزار زخمی می‌شود. ۳۹۶ نفر از این قربانیان کودک و ۲۵۵ نفر دیگر زن هستند (دبیری‌مهر، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶). اکنون با مرور برخی از راهبردهای متضاد فرهنگی ایران و عربستان می‌توان مهمترین موانعی که این کشور جهت عدم تحقق راهبردهای فرهنگی ایران در جغرافیای فرهنگی جهان اسلام، ایجاد می‌نماید را بررسی نمود.

#### مقابله فرهنگی عربستان سعودی جهت مهار راهبردهای فرهنگی ایران در ژئوکالچر جهان اسلام

سیاست مقابله با ایران در عرصه‌های مختلف، از جانب آل‌سعود، از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در پیش گرفته شده است. محدودکردن ایران از طریق شرکت در تحریم‌های بین‌المللی، ضربه‌زدن به کشورهای متحد با ایران، ایجاد بحران‌های قومی و مذهبی در داخل ایران به‌خصوص در مناطق اهل سنت، ایجاد همگرایی در کشورهای عربی با محوریت مقابله با ایران و غیره از جمله سیاست‌های اعمالی این کشور در راستای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران، در منطقه است. به‌طور مشخص بیشترین مقابله‌جویی عربستان سعودی با ایران، در عرصه‌های فرهنگی است. به همین مناسبت در ادامه مهمترین موارد تهدیدات فرهنگی عربستان علیه ام‌القری جهان اسلام بررسی می‌گردند.

#### • ایران‌هراسی و تبلیغ علیه انقلاب اسلامی در ژئوپلیتیک فرهنگی جهان اسلام

عربستان سعودی در راستای ایران‌هراسی در منطقه کوشیده است با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های مختلف این هدف را پیگیری کند. برای مثال، وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی آل‌سعود، کتابی<sup>۳</sup> با محتوی تفکرات ضدشیعی در مقاطع ابتدایی همه مدارس عربستان توزیع کرده است. این کتاب را شیعیان را تکفیر کرده و آنها را زنگ‌خطری برای مسلمانان

۱. به عربی: عملیة عاصفة الحزم

۲. به عربی: عملیة إعادة الأمل

۳. این کتاب نوشته «حامد علی عبدالرحمن» با عنوان «بدیهیات مسلمان: خطاب به تفکرات شیعی منتشر شده است.

می‌داند. همچنین گروهی از وهابی‌ها کتابی<sup>۱</sup> موهن را که به توهین علیه امام راحل و تضعیف هتک اصول مسلم شیعه می‌پردازد، در جنوب استان بوشهر توزیع کرده‌اند. موضوع اصلی این کتاب، توهین به شیعه، جسارت علیه حضرت امام<sup>(ع)</sup>، تضعیف و هتک اصول مسلم شیعه، زیرسؤال‌بردن تقلید و فقاقت و تشکیک در روایات مشهور امام زمان<sup>(عج)</sup> می‌باشد که به صورت جزوه‌های کپی شده توسط گروه‌های فریب‌خورده وهابیون در جنوب استان بوشهر توزیع می‌شود (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). یکی از کشوهای که شدیداً متأثر از تبلیغات فرهنگی آل‌سعود علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، پاکستان است.

در این رابطه در کشور پاکستان، مدارس تحت نفوذ عربستان از موضع ستیزه‌جویانه عربستان در برابر ایران حمایت می‌کنند. با توجه به قدرت روزافزون این گونه مدارس، موج خشونت و ضدیت با هواداران اسلام انقلابی شیعی مورد حمایت ایران نیز تشدید می‌گردد. در واقع عربستان در اوایل دهه هشتاد میلادی برای مقابله با نفوذ ایران بر شیعیان پاکستان، وارد صحنه شد. اصلی‌ترین ماده درسی در این مدارس، جهاد طبق الگوی ترکیبی ایدئولوژیکی مکتب دیوبندی و مکتب سلفی است (رشیدی و شاه‌قلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۷). نمود رشد مدارس دینی به وضوح در آموزه‌های سپاه صحابه<sup>۲</sup> منعکس شده است. این گروه در جزوه‌ای با نام «افشای چهره واقعی انقلاب اسلامی» آورده است: «انقلاب اسلامی ایران توطئه‌ای جهانی علیه اسلام است. انقلاب خمینی اولین تلاش عمده شیعیان برای گسترش شیعه‌گری (شیعیسم) در سراسر اروپا از طریق ترکیه تا روسیه و از طریق کشورهای مسلمان آسیای میانه و تا سربلانکا از طریق پاکستان بود ... اهل سنت در ایران تحت آزار و شکنجه هستند ... دانشجویان اهل سنت در دانشگاه‌های ایران مجبور به خواندن متون شیعی هستند؛ لذا دولت پاکستان باید این کشور را یک کشور سنی و شیعیان را غیرمسلمان اعلام کند» (شفیعی و قلیچ‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۵).

#### • شیعه‌آزاری و به‌شهادت رساندن رهبران مذهبی شیعی کشورهای اسلامی

وهابیت و سلفی‌های تکفیری که از سوی عربستان حمایت می‌شوند، با کافر دانستن شیعیان مهم‌ترین عامل بالقوه تهدیدکننده شیعیان در جهان اسلام محسوب می‌شوند. وهابیان شیعه را به‌عنوان یکی از مذاهب اسلامی نمی‌پذیرند و از نظر آنها، مفهوم تشیع گاه با مفاهیم کفر و شکر برابر است. این مسأله سبب شده است تا وهابیت به یکی از بزرگترین چالش‌های شیعیان تبدیل شود. «شیخ بن باز» مفتی اعظم پیشین عربستان سعودی درباره تشیع چنین اعتقادی داشت: «تشیع، دینی متفاوت و مجزا از اسلام است و همان‌گونه که مصالحه اهل تسنن با یهودیان، مسیحیان و بت‌پرستان امکان‌پذیر نیست، سازش شیعیان یا رافضیان با اهل تسنن نیز غیرممکن است.» از دیدگاه بسیاری از علمای

۱. این کتاب با عنوان «یا شیعه العالم استیظوا» نوشته یک وهابی به نام «موسوی» است.

۲. نام سپاه صحابه در ابتدا انجمن سپاه صحابه بود. [در اوایل دهه ۱۹۸۰ تاسیس شد] این گروه قومی سنی درگیر عملیات تروریستی بر ضد اقلیت شیعه پاکستان است. این گروه خواهان این است که پاکستان به‌عنوان یک دولت سنی اعلام وجود نماید. یکی از رهبران مهم این گروه به نام مولانا ضیاءالقاسمی در مصاحبه‌ای در ژانویه ۱۹۹۸ اعلام کرد: «... دولت پاکستان به شیعیان بیش از حد اهمیت می‌دهد آنها در همه جا هستند در رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مقامات عالی دولتی و این باعث نگرانی است». آنها شیعیان را مسلمان نمی‌دانند. در حقیقت سپاه صحابه برای مقابله با انقلاب ایران به وجود آمد (South Asian Terrorism Portal, 2013).

وهابی، اعمال شیوه‌های خشونت‌آمیز ضد شیعیان، مثل اجبار به ترک عقیده، سرکوب، تبعید و قتل، امری جایز است (سیدنژاد و سراج، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۱۸). پس به شهادت رساندن رهبران مذهبی شیعی در همین راستا قابل بررسی است. به‌عنوان نمونه، «نمر باقر النمر» یک فقیه شیعه عربستانی بود که در پی اعتراضات شیعیان عربستان در سال ۲۰۱۲ بازداشت شد و در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴ دادگاه جنایی عربستان سعودی به دلیل اقدام علیه امنیت ملی و محاربه، به اعدام با شمشیر و به صلیب کشیده شدن در انتظار عمومی محکوم و در دوم ژانویه ۲۰۱۶ اعدام شد. مجله اکونومیست در گزارشی به بررسی زوایای دستگیری «شیخ نمر باقر النمر» می‌پردازد و می‌نویسد که این شیخ عربستانی برای دفاع از حقوق شیعیان و اعتراض به سرکوب اهل تسنن در انتظار حکم اعدام است. شیخ حتی اهل تسنن را نیز مخاطب سخنان خود قرار می‌داد و اصرار داشت که این اکثریت مذهبی هم حتی، قربانیان سرکوب آل سعود هستند. شیخ بسیار اصرار داشت که طرفدارانش به هیچ وجه به خشونت متوسل نشوند و اعتراضات تنها از مسیر صلح‌آمیز پیش برود (پایگاه اطلاع‌رسانی پیام آفتاب، ۱۳۹۳/۰۷/۲۶).

#### • تبلیغات رسانه‌ای علیه ایران

رسانه‌های برآمده از ایدئولوژی وهابیت به گونه‌ای غیرمستقیم، همسو با اندیشه حکومتی سامان سیاسی عربستان سعودی است.<sup>۱</sup> نمود عینی تلاش‌های رسانه‌های عربستان ژرفابخشی و کوشش در راستای نمودیابی بیشتر شکاف‌های درونی جهان اسلام، بویژه میان تسنن و تشیع است. ابوخلیل رسانه‌های عربستان بویژه العربیه را ابزاری در برانگیختن فتنه میان شیعیان و سنی‌ها می‌داند که با اشغال عراق، تقسیمات فرقه‌ای لبنان و میان عربستان سعودی و متحدان غربی‌اش برای رویارویی با تأثیر روزافزون ایران و آنچه برخی صاحب‌نظران و سیاستمداران «هلال شیعی» می‌نامند، شدت می‌یابد (میردهقان و شوکتی مقرب، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۷۰).

عربستان سعودی که در سطح منطقه از رقابت سیاسی با ایران خود را ناتوان می‌بیند، سعی دارد از طریق شبکه العربیه به مقابله بپردازد. حسن فحص، مدیر دفتر شبکه العربیه در تهران در این باره اذعان می‌دارد: بینش مالکان شبکه در حدودی که منافع کشور عربستان سعودی در خطر باشد، نمایان می‌شود. به‌عنوان نمونه، ایران در منطقه غرب آسیا نقش فعالی ایفا می‌کند و در عراق، لبنان و فلسطین نفوذ زیادی پیدا کرده است، اما عربستان سعودی در این کشورها نفوذ چندانی ندارد، بنابراین، در رسانه‌های خود از جمله شبکه العربیه به ایران حمله می‌کند. سایت اسلام تایمز از این تحلیل فراتر می‌رود و در مقاله‌ای با عنوان، «شبکه العربیه همسو با ابزار تبلیغاتی جنگی صهیونیست‌ها می‌نوازد»، می‌نویسد: با نگاه کوتاهی به

۱. نظام سعودی محدودیت‌ها و موانع بسیار زیادی را برای آزادی بیان و مطبوعات وضع می‌کند. دولت مالکیت پخش و نشر محصولات رسانه‌ای را در اختیار دارد که به سانسور شدید منجر می‌شود. به هر حال، دولت عربستان تنها به سانسور رسانه‌های اجتماعی و دنیای اینترنت اکتفا نمی‌کند و برای کنترل اطلاعات به مسدود کردن پایگاه‌های اینترنتی خاص نیز مبادرت می‌ورزد. در بسیاری از مواقع، مقامات رسمی و کارمندان ارشد دولت عربستان به عموم مردم درباره عدم صحت برخی از گزارش‌های موجود در اینترنت هشدار می‌دهند و به آن‌ها گوشزد می‌کنند که انتقادات وارده به نظام سیاسی و دولت نباید از طریق کانال‌های شخصی در دسترس باشد. دولت صاحب بیشتر رسانه‌های خبری و امکانات مربوط به چاپ کتاب در سراسر کشور است و اعضای خانواده سلطنتی بیشتر رسانه‌های تأثیرگذار را که اسماً مستقل هستند، مانند روزنامه‌های پان عرب از قبیل الشرق الاوسط و الحیاه را در اختیار دارند. به‌همین منوال حکومت بیشتر برنامه‌های داخلی و خارجی رادیو و تلویزیون را تولید، اجرا و سانسور می‌کند (Country Reports on Human Rights Practices, 2011).

تحلیل‌ها، بررسی‌ها درمی‌یابیم که شبکه‌های عربیه همسو با صهیونیست‌ها حرکت می‌کند و این همان موضوع مهمی است که توجه ما را بیشتر به خود جلب می‌کند. در واقع العربیه دنباله‌رو سیاست‌های دولت عبری و صهیونیست‌ها است (موسوی و بخشی تلپایی، ۱۳۹۱: ۹۳-۸۸).

#### • رواج وهابیت در اقصی نقاط جهان اسلام

عربستان سعودی با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی و در پوشش رفتارهای حمایتگرانه در کشورهای تانزانیا، کنیا و اوگاندا در پی تبلیغ فرقه ضاله وهابیت است و تاکنون به جایگاه نسبتاً محکمی دست‌یافته و علاوه بر نفوذ در بسیاری از سازمان‌های اسلامی و کنترل شورای عالی امور مسلمانان این کشورها قدرت نرم حاصل از دلارهای نفتی خود را در دولت‌ها نیز به‌کار گرفته‌است (عرب‌احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در میان تمامی علل مختلفی که می‌توان، برای نفوذ وهابیت، در افغانستان برشمرد، یک عامل بیش از همه نقش دارد و آن این که معمولاً عالمان دینی افغانستان، در مدارس و دانشگاه‌های کشورهای، چون: عربستان، پاکستان، یمن، هند، زاهدان، و اندکی در مصر تحصیل کرده و می‌کنند. اکثریت این مراکز، با هزینه و امکانات کشور عربستان تأمین می‌شوند (رجایی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

اعزام مبلغان وهابی به مراکز اسلامی، دعوت از اساتید و شخصیت‌های مذهبی جهت مسافرت به عربستان و اعطای بورس تحصیلی، کمک‌های مالی، تبلیغ در موسم حج و توزیع گسترده کتب و نشریات تبلیغی علیه شیعه از جمله مهمترین اقدامات آل‌سعود جهت تبلیغ برای فرقه وهابیت در پاکستان است. در حال حاضر، اکثر ائمه جماعات مساجد پاکستان توسط مدارس علمیه عربستان تأمین می‌گردد. فرقه «دیوبندی» جزء مذهب حنفی و از دسته وهابیت، حدود ۲۵ درصد از جمعیت اهل تسنن پاکستان را تشکیل می‌دهند (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۶).

ترسیم جغرافیای مذهبی خلیج فارس و جایگاه ترویج وهابیت توسط عربستان در آن بدین گونه است: در شمال و بخشی از شمال غربی آن شیعیان حاکم هستند. در بقیه نقاط، اهل تسنن با گرایش‌های مختلف زندگی می‌کنند. در دامان این بخش از جامعه اسلامی دو فرقه نسبتاً فعال از اقلیت یعنی وهابیون و خوارج اباضیه پرورش یافته‌اند. براین اساس، وهابیت از عربستان شروع شده، بیشترین فشارها را بر شیعیان این کشورها وارد آورده و باعث محرومیت و آزار آنها شده است. طی دو قرن گذشته، اختلاف بین دو گروه شیعه و وهابی، گشتاور تخاصم‌زایی را پیدا کرده‌است. این خصومت اختلافات دیرین بین دو فرقه اصلی شیعی و وهابیت، اکنون، در عراق به اوج خود رسیده است (زین‌العابدین و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۳).

## نتیجه‌گیری

این نوشتار در صدد پاسخ به این سؤال بود که موانع پخش راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ژئوکالچر جهان اسلام، از جانب عربستان سعودی چیستند؟ و این کشور از کدام ظرفیت‌های فرهنگی ایران پس از انقلاب هراس دارد که مبادرت به مقابله فرهنگی با جمهوری اسلامی می‌کند؟

برای پاسخ به این پرسش، به‌لحاظ نظری مبانی و اصول سیاست خارجی فرهنگی آل‌سعود در قبال ایران محافظه‌کاری در نظر گرفته شد. توضیح آنکه تمامی ابعاد و اضلاع سیاست داخلی و خارجی عربستان در این ارتباط، حفظ وضع موجود و جلوگیری از ورود جغرافیای فرهنگی جهان اسلام به مرحله جدیدی از حیات سیاسی تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام است. از سوی دیگر، از حیث نظری، آشکار شد که ام‌القری بودن ایران در جهان اسلام وظایفی را برای این کشور در نظر می‌گیرد که حساسیت و واکنش منفی عربستان سعودی را برمی‌انگیزد.

برای تأیید مفروضات نظری در قالب شاخص‌های بیرونی و مصداقی، وضعیت موجود در جنوب غربی آسیا پس از انقلاب ایران که آل‌سعود در پی نگه‌داشت آن است؛ قابل ملاحظه است. لذا، مخرج مشترک وقایع معمول غرب آسیا نظیر ظهور رژیم افراطی طالبان و عملکرد افراطی آن در افغانستان، گسترش عملیات نظامی گروه القاعده در جای‌جای منطقه، کشتارهای فرقه‌ای در پاکستان، بمب‌گذاری‌های هولناک در میان عزاداران تاسوعا و عاشورا، اقدامات ددمنشانه گروه تروریستی داعش و جبهه‌النصره در عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه، حملات مکرر عربستان سعودی و اسرائیل به ملل مظلوم یمن و فلسطین و همکاری و همراهی سران رژیم‌های عرب با آمریکا برای سرکوب آزادیخواهی در بحرین و مصر و غیره، نقش مستقیم و غیرمستقیم آل‌سعود در رخداد آنهاست.

در مقابل در پاسخ نواورانه به پرسش این نوشتار این است که جمهوری اسلامی ایران این وضعیت را برنمی‌تابد و در پی ارائه بدیلی بحران‌زدا در قالب ام‌القری بودن در ژئوکالچر جهان اسلام، بواسطه اتخاذ روش‌های نرم و فرهنگی به موازات اقدامات سیاسی و نظامی است. از نظر جمهوری اسلامی ایران، ملاک عمل وحدت جهان اسلام فراتر از مباحث هویتی سنی و شیعه است؛ برای همین از کلیه جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان اسلام از حماس تا حزب‌الله، حمایت معنوی و مادی نموده است. ایران همواره به مقابله فرهنگی و نظامی با جریان‌های تروریستی و افراطی وهابی نظیر القاعده و داعش می‌پردازد و اقتدار نظامی جمهوری اسلامی ایران عاملی بازدارنده در برابر تجاوزات اسرائیل و دولت آمریکا در جهت تحدید ملت‌های مسلمان می‌باشد.

راهبردهای متخذه فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و دورنمایی از وضعیت مطلوب به جای وضعیت موجود ترسیم نمود. چنانکه بسیاری از ملت‌ها و دولت‌های مسلمان از عربستان سعودی تا مصر و عراق عملاً، ملاک کنش‌ها و واکنش‌های خود را اصول فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی و راهبردهای فرهنگی برخاسته از آن قرار دادند.

بنابراین، فرضیه اصلی این مقاله آشکار کرد که سیاست‌های محافظه‌کارانه آل‌سعود، در جهت جلوگیری از پخش هرچه بیشتر ارزش‌های فرهنگی ام‌القری در ژئوکالچر جهان اسلام است. در این راستا و در جهت تأیید فرضیه، عربستان سعودی کوشیده است با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های مختلف بنیان‌های عقیدتی انقلاب اسلامی را متزلزل نماید، انواع

سیاست‌های ایران را با توزیع جزوه و کتاب مخدوش نماید و وضعیت اهل تسنن در ایران را بحرانی نشان دهد. از سوی، آل‌سعود از مجاری مذهبی وهابی، شیعه را تکفیر می‌نماید و قتل و غارت شیعیان از جمله کشتن رهبران مذهبی آنها را متداول نماید. رسانه‌هایی که مجری تبلیغاتی سیاست‌های عربستان سعودی هستند نیز سعی در تفرقه بیشتر بین شیعه و سنی بواسطه طرح مباحثی چون هلال شیعی دارند و ایران را تنها نماینده اقلیت شیعی در برابر اکثریت سنی به رهبری عربستان معرفی می‌کنند و نهایتاً، عربستان سعودی با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی و در پوشش رفتارهای حمایتگرانه، کوشش می‌کند تا وهابیت که عمده تلاش خود را در مقابله با شیعیان و ایرانیان مصروف نموده؛ در جغرافیای جهان اسلام رسوخ پیدا کند.

### کتابشناسی

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۴). «سلفیه وهابی؛ تمایزهای هویتی عربستان سعودی و ایران». فصلنامه مطالعات ملی؛ سال ۱۶، شماره ۳، صص، ۱۶۰-۱۴۵.
۲. احمدی، حمید و بیدالله‌خانی، آرش (۱۳۹۱). «طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی». فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱، صص، ۳۷-۲۱.
۳. احمدیان، حسن و زارع، محمد (۱۳۹۰). «استرتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب». فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال ۲، شماره ۲، صص، ۹۸-۷۵.
۴. اسدی، بیژن (۱۳۹۰). خلیج‌فارس و مسائل آن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛
۵. برزگر، ابراهیم و حسینی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۲). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۳، ۱۸۸-۱۷۳؛
۶. بشیریه، حسین (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی؛
۷. بهرامی مقدم، سجاد، (۱۳۹۰). «تحول رویکرد عربستان به کشمکش اعراب-اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، آمریکاشناسی-اسرائیل شناسی، سال ۱۲، صص، ۱۳۰-۱۱۵؛
۸. بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۰). «تحولات بحرین از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، تهران؛ موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص، ۱۱۶-۹۳؛
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی پیام آفتاب (۱۳۹۳/۰۷/۲۶)، «اکونومیست: «آیت‌الله شیخ نمر باقرالمر» به دلیل دفاع از حقوق شیعه و سنی در زندان سعودی است»، قابل دسترس در: <http://news.ir/news/6E3231927884.html> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۲)؛
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی اسلام‌تایمز، (۱۳۹۴/۰۴/۱۸) «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری حماس و حزب‌الله»، قابل دسترس در: <http://islamtimes.org/fa/doc/article/472493/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۵)؛
۱۱. پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان‌شناسی دیدبان (۱۳۹۴/۰۱/۰۸). «اهداف سیاست خارجی عربستان در غرب آسیا: عربستان در منطقه به دنبال چیست؟»، قابل دسترس در: <http://didban.ir/fa/news-details/22885/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸)؛
۱۲. پایگاه تحلیلی خبری صراط، (۱۳۹۴/۰۹/۰۸)، «سند حمایت عربستان از داعش»، قابل دسترس در: <http://www.seratnews.ir/fa/news/271618/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹)؛
۱۳. پایگاه مجازی مرکز رصد اندیشه‌های استراتژیک، (۱۳۹۳/۱۰/۱۴)، «نقش پررنگ ایران در مبارزه با داعش»، قابل دسترس در: <http://www.eshraf.ir/3888/B4.html> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹)؛
۱۴. پولادی، کمال (۱۳۸۳)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر مرکز؛

۱۵. پیشگاهی‌فرد، زهرا و قدسی، امیر (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص. ۹۹-۸۱.
۱۶. حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۷)، «قاچاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره ۲، صص. ۱۷۰-۱۴۳.
۱۷. حیدری، غلامحسین (۱۳۸۴)، «ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئو کالچر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره بهار، صص. ۱۱۶-۹۳.
۱۸. خیرگزاری دانشجو (۱۳۹۳/۱۱/۱۲)، «جروزالم پست: روابط پنهانی عربستان و اسرائیل بعد از مرگ «ملک عبدالله» ادامه می‌یابد»، قابل دسترس در: <http://www.snm.ir/detail/News/385952/179> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۹).
۱۹. دبیری‌مهر، امیر (۱۳۹۴/۰۲/۱۶)، «حمله به یمن، فرصتی برای شناخت نگاه سعودی‌ها به خاورمیانه»، قابل دسترس در: <http://217.218.67.231/DetailFa/2015/04/26/408130/yemen-saudi-aggression> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۱).
۲۰. رجایی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «خطر گسترش وهابیت در افغانستان و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه پیام مبلغ، سال ۲، شماره ۲، صص. ۱۸۸-۱۶۷.
۲۱. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۸۹)، «مبانی بیناذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۱، صص. ۱۱۴-۸۵.
۲۲. رشیدی، احمد و شاه‌قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۱)، «مبانی فکری ضدیت «طالبان» با شیعیان»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۱، شماره ۲، صص. ۱۱۲-۹۳.
۲۳. رضایپور، حسین (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۷، صص. ۱۵۸-۱۴۱.
۲۴. روزنامه رسالت (۱۳۸۶/۰۲/۰۸)، «نگاهی بر دکترین ام‌القری و جایگاه آن در سیاست خارجی ایران»، صص. ۸-۱.
۲۵. زین‌العابدین، یوسف؛ شیرزاد، زهرا و جوکار، نسیم (۱۳۸۹)، «عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال ۱، شماره ۲، صص. ۸۰-۷۱.
۲۶. سجادی‌پور، کاظم و کریمی‌قهرودی، مانده (۱۳۹۰)، «رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۴، صص. ۲۵۸-۲۲۷.
۲۷. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۷)، «طالبان: ایران و پاکستان: مطالعه سیاست خارجی ایران، پاکستان و عربستان در باره افغانستان از سقوط مزار تاکنون»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱، شماره ۲، صص. ۲۶۸-۲۴۷.
۲۸. سیدنژاد، سیدعلی و سراج، رضا (۱۳۹۱)، «نقش عوامل ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در ارائه الگوی سیاسی به شیعیان جهان»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۳، شماره ۹۱، صص. ۱۳۰-۹۷.
۲۹. سیمبر، رضا و رحمدل، رضا (۱۳۹۳)، «شالوده شکنی جدال‌های امنیتی ایران و عربستان (۲۰۱۴-۲۰۰۱)»، فصلنامه پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۷، صص. ۲۶-۱.
۳۰. شعبانی، قاسم (۱۳۹۱)، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات».
۳۱. شفیع، نوذر و قلیچ‌خانی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص. ۳۳-۱.
۳۲. صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۳)، «انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۸، صص. ۴۶-۲۵.
۳۳. عبدوس، حامد (۱۳۸۶)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قابل دسترس در: <http://www.irdc.ir/fa/content/5888/default.aspx> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۱).
۳۴. عرب‌احمدی (۱۳۹۱)، «سیاست‌های مداخله جویانه عربستان سعودی در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام،



سال ۱، شماره ۳، صص. ۱۲۳-۱۰۱؛

۳۵. عمادی، عباس (۱۳۹۴)، «دکترین ام‌القری»، پژوهش‌کننده باقرالعلوم<sup>(ع)</sup>، قابل دسترس در:

<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=45075> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۳)؛

۳۶. فیرحی، داود (۱۳۹۳)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛

۳۷. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۱)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛

۳۸. کوهکن، علیرضا و تجری، سعید (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)»، فصلنامه

پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۱۰، صص. ۱۲۸-۱۱۳؛

۳۹. متقی، ابراهیم؛ بیدالله‌خانی، آرش و کلمزی، علیرضا (۱۳۹۲)، «تحولات جهان عرب: تغییرات فضایی ژئوپلیتیک امنیتی - راهبردی به

ژئوکالچر امنیتی نوین»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۱، شماره ۸۳، صص. ۹۷-۶۹؛

۴۰. متقی، افشین (۱۳۹۴)، «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری»، فصلنامه پژوهش‌های

راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۱۲، صص. ۱۶۱-۱۴۱؛

۴۱. معین‌آبادی، حسین و روح‌الله، سبزی (۱۳۹۴)، «تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق بر اساس نظریه پخش»، نشریه مطالعات

سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۳، صص. ۶۹-۴۷؛

۴۲. موسوی، سیدمحمد و بخشی‌تلیایی، رامین (۱۳۹۱)، «تأثیر مسایل ایدئولوژیک برسیاست خارجی عربستان در قبال ایران»، فصلنامه

تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۱، صص. ۹۹-۶۱؛

۴۳. مهدی‌زاده، اکبر (۱۳۸۲)، «بررسی سیاست خارجی و رفتار عربستان در قبال جنگ ایران و عراق» فصلنامه نگین ایران، شماره ۴،

صص. ۴۰-۳۲؛

۴۴. میردهقان، مهین‌ناز و سمیه، شوکتی مقرب (۱۳۹۲)، «گفتمان پنهان، قدرت و رسانه در خاورمیانه عربی (مطالعه موردی: عربستان

سعودی)»، فصلنامه مطالعات جهان، دوره ۳، شماره ۱، صص. ۱۸۰-۱۴۵؛

۴۵. میلانی، جمیل، اسماعیلی، محمدتقی (۱۳۹۳)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر پاکستان»، فصلنامه مطالعات

انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص. ۶۴-۴۷؛

۴۶. نادری، احمد (۱۳۹۳)، «از ژئوپلیتیک دولت محور، به ژئوکالچر تمدن محور: خاورمیانه عرصه نبرد تمدن‌ها»، دوفصلنامه مطالعات

قدرت نرم، سال ۴، شماره ۱۰، صص. ۱۴۲-۱۲۳.

۴۷. نورمحمدی، مرتضی و کاظمی، حجت (۱۳۹۴)، «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس»،

فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۱۲، صص. ۱۱۳-۸؛

48. Aarts, Paul and van Duijne, Joris, (2009), "Saudi Arabia after U.S.-Iranian Détente: Left in the Lurch?", Middle East Policy, Vol. XVI, No.3, pp. 64-78;

49. Bertelsmann Stiftung's transformation index (BTI), (2012), "Saudi Arabia country report", [http://www.google.com/#bav=on.2,or.r\\_qf.&fp=7033c00f88795d1f&q=situation+of+parties+in+saudi+arabia%2Bpdf,15/09/2013](http://www.google.com/#bav=on.2,or.r_qf.&fp=7033c00f88795d1f&q=situation+of+parties+in+saudi+arabia%2Bpdf,15/09/2013);

50. Bin Huwaidin, Mohamed, (2015), "The Security Dilemma in Saudi-Iranian Relations", Review of History and Political Science, Vol. 3, No. 2, pp. 69-79;

51. Country Reports on Human Rights Practices for United States Department of State Bureau of Democracy, Human Rights and Labor (2011), "Saudi Arabia", <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=country%20reports%20on%20human%20rights%20practices%20,22/09/2013>;

52. South Asian Terrorism Portal, (2013), "Sipah-e-Sahaba Pakistan", <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terroristoutfits/spp.htm,10/08/2014>.

**Obstacles to developing Iran's Cultural strategy in geo-culture of the  
Islamic world  
(Case Study: Saudi Arabia)**

*Mohsen Eslami*

*Assistant Professor; International Relations, Tarbiat Modares University of Tehran*

*Mohammad Hossain Jamshidi*

*Assistant Professor; International Relations, Tarbiat Modares University of Tehran*

*Mohammad Davand*

*Ph.D Candidate of International Relations, Tarbiat Modares University of Tehran*

In the Contemporary era, world of Islam is faced with violence, instability and suppression of freedom. Saudi Arabia plays a very important role in maintaining these conditions. Saudi prevents the spread of Iranian cultural strategies in the Muslim world. Therefore, the question arises why the Saudis are trying to prevent the spread of Iran cultural policies in geo-culture of the Islamic world? Many to answer the question highlight the differences between Shia and Sunni. But we will prove that Iran's cultural strategies arising from its role as Umm al-Qura and based on this role, Iran wants to change the status quo the Muslim world. So, one of the main duties of Iran is supporting of all the Muslims to create unity in geo-culture of the Islamic world. For this reason Saudi Arabia is trying to prevent the unity of the Islamic world through actions such as the spread of Wahhabism and Iran phobia.

**Keywords: World of Islam, Iran, Saudi Arabia, Geo-Culture, Umm Al-Qura, Cultural Strategy.**